

## تحریم‌های اقتصادی از دیدگاه حقوق بین‌الملل

حمیدرضا علیزاده<sup>۱</sup>

### چکیده

استفاده از تحریم‌های اقتصادی جزء واقعیت‌های پذیرفته شده حقوق بین‌الملل محسوب می‌گردد. اما از آنجا که تحریم‌ها می‌تواند تأثیرات منفی بر روی شهروندان دولت‌های هدف داشته باشند، همواره بحث از مشروعیت یا عدم مشروعیت آنها در میان بوده است. لذا در این پژوهش تلاش بر آن است تا ابتدا ضمن تحلیل تحریم‌های اقتصادی ناقض اصول حقوق بین‌الملل و اینکه کدام تحریم‌ها از منظر حقوق بین‌الملل مشروع و کدام تحریم‌ها نامشروع هستند؛ به تبیین راهکارهای جایگزین به منظور کاهش اثرات منفی تحریم‌ها بر شهروندان دولت هدف پرداخته شود. روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی است و با روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری و استفاده از منابع اینترنتی می‌باشد. در نتیجه، با توجه به اینکه روند اعمال تحریم‌ها در منشور مشخص شده، اگر چنین اقداماتی از سوی شورای امنیت اعمال گردد، می‌تواند مشروع تلقی گردد. شورای امنیت باید در اعمال تحریم‌ها جانب احتیاط را رعایت نماید و از اعمال تحریم‌هایی که اصول حقوق بین‌الملل را نقض می‌کند، پرهیز کند. بنابراین تحریم‌های خارج از این چارچوب نامشروع و غیرقانونی تلقی خواهد شد.

واژگان کلیدی: تحریم‌های اقتصادی، دولت هدف، تحریم هوشمند

## مقدمه

استفاده از ابزار تحریم در روابط میان کشورها دارای سابقه‌ای طولانی است و اغلب دولت‌های قدرتمند از آن بعنوان جایگزینی برای جنگ و اقدامات نظامی که بسیار هزینه‌بر بوده بهره می‌برند تا سیاست‌ها و خط-مشی‌های خود را بر دولت‌های ضعیف تحمیل نمایند. اما امروزه با توسعه قواعد و اصول حقوق بین‌الملل استفاده از تحریم‌های اقتصادی بعنوان ابزاری برای اعمال فشار بر کشورها از سوی جامعه جهانی در جهت تعدیل سیاست‌ها و رفتار آنها و تضمین اجرای قواعد و مقررات بین‌الملل مطرح است. البته باید اظهار داشت که تحریم‌های اقتصادی نیز اغلب توسط کشورهای قدرتمند همچون ایالات متحده آمریکا و اعضای اتحادیه اروپا با استناد به اصل حاکمیت سرزمینی به منظور تحمیل سیاست‌های خود و گاه به بهانه‌های واهی بر کشورهای درحال توسعه اعمال می‌شوند، تا آن کشور را به تغییر رفتار متناسب با سیاست‌های خود مجبور نمایند. اما با توجه به سابقه اعمال اینگونه تحریم‌ها، اغلب نظریه‌پردازان در حوزه تحریم‌ها معتقدند که اینگونه اقدامات چندان موفقیت‌آمیز نبوده و از نیل به اهداف خود عاجز بوده‌اند (Kaplowitz, 1998: 17).

بطور کلی تحریم‌ها جزء واقعیت‌های پذیرفته شده در سطح بین‌الملل است و به جهت تأثیرات خفیف‌تر آن نسبت به جنگ که در عرصه بین‌الملل تقبیح شده است، از جایگاه بهتری برخوردارند. اما این نگرانی وجود داشته که اعمال تحریم‌ها بر روی شهروندان دولت هدف بطور خاص و نهادها و کشورهای ثالثی که با کشور ۷۶ تحت تحریم در ارتباطند، بطور عام اثرگذار نباشد. با افزایش این نگرانی‌ها، تلاش‌های زیادی انجام گرفته تا برای ابزار تحریم نیز راهکارهایی تعبیه گردد تا جایگزینی مناسب و دارای اثر منفی کمتر در قبال اقشار آسیب‌پذیر و اشخاصی که مرتکب عمل خلاف حقوق بین‌الملل نشده‌اند، باشد. لذا اکنون این سوال مطرح می‌شود که منشأ مشروعیت تحریم‌های اقتصادی در چارچوب حقوق بین‌الملل چیست؟ آیا صرف مشروعیت حقوقی تحریم‌های اقتصادی، تأثیرات مخرب و منفی آنها بر زندگی شهروندان و یا دولت‌های ثالث را نیز مجاز می‌نماید؟ در غیر اینصورت چه راهکارهای جایگزینی برای تحریم‌های مخرب وجود دارد؟

در راستای پاسخگویی به این سوالات، این مقاله در سه قسمت تنظیم شده است که ابتدا ضمن بررسی کلیاتی در باب تحریم‌های اقتصادی بیان گشته و سپس تحریم‌های اقتصادی از منظر قواعد و اصول حقوق بین‌الملل مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفته و در نهایت به راهکارهای جایگزین برای تحریم‌های اقتصادی که دارای اثرات منفی بر شهروندان دولت هدف هستند، پرداخته شده است.

### تعریف و هدف اعمال تحریم‌های اقتصادی

تحریم عبارت است از عمل هماهنگ به وسیله گروهی که متضمن امتناع از داشتن روابط تجاری با هرگونه رابطه‌ای با شخص یا گروه دیگر با هدف مجازات و یا جبران زیان‌ها باشد (Nejad & Nouraie, 2010: 45). تحریم اقتصادی مجموعه اقداماتی است که یک دولت و یا مجموعه‌ای از دولت‌ها و یا یک سازمان بین‌المللی به دلیل نقض یک تعهد و برای نیل به اهدافی خاص، علیه دولت ناقض تعهد، وضع و اعمال می‌کند (Hosseini, 2012: 23).

در حال حاضر کشورهایی که در عرصه بین‌الملل از ثبات هژمونیک برخوردار می‌باشند و عمدتاً کشورهای غربی را شامل می‌شوند از تحریم‌های اقتصادی در جهت نیل آمدن به اغراض سیاسی خویش سود می‌جویند. این کشورها با مدد از قدرت اقتصادی و کنترلی که در عرصه اقتصاد بین‌الملل دارند با تهدید به تضعیف یا در معرض تضعیف قرار دادن اقتصاد کشور مورد هدف تحریم سعی بر تسلط سیاسی بر دیگر کشورها می‌باشند. از همین‌روست که به تعبیر برخی تحلیل‌گران غربی دولت‌های غربی از تحریم‌های اقتصادی به مثابه ابزاری که دندان دیپلماسی را در مواجهه با کشورهای دشمن تیز می‌کند، یاد می‌کنند (Hafbaier, 1990: 10). از اینرو، تحریم‌ها از نظر هدف بطور کلی به دو دسته اجبارکننده<sup>۱</sup> و کنترل‌گرایانه<sup>۲</sup> تقسیم می‌شوند. فرض در تحریم‌های اجبارکننده این است که طبقه‌ای خاص از جامعه یعنی نخبگان دولتی هدف هستند و هدف اصلی این نوع تحریم تغییر رفتار است. اما در تحریم کنترل‌گرایانه هدف اصلی تغییر رژیم سیاسی و بی‌ثباتی است (Zahrani, 2008: 4)، از منظر دیگر تحریم‌های اقتصادی را می‌توان به تحریم‌های یک‌جانبه و یا چندجانبه کشورها و یا تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت علیه کشورها تجزیه نمود.

### تاریخچه شکل‌گیری تحریم‌ها

تحریم معادل واژه انگلیسی بایکوت است که سابقه آن به سرنوشت «کاپیتان چارلی بایکوت» یک ملاک انگلیسی در ایرلند قحطی زده در اواخر دهه ۱۸۷۰ برمی‌گردد. در این جریان کاپیتان به خاطر رفتار ظالمانه نسبت به کشاورزان از سوی مجمع زمین‌داران ایرلند، از لحاظ اقتصادی و اجتماعی در انزوا قرار گرفت. با شروع این قرن، از کاربرد رایج خود در حقوق روابط کار به صحنه بین‌المللی انتقال یافت و دچار تغییرات و پیشرفت‌های بعدی شد (Hadadi, 2003: 84). تا سال ۱۹۱۸، تحریم اقتصادی مکملی برای اقدامات نظامی بود؛ چراکه در دوران قبل از جامعه ملل و سازمان ملل متحد جنگ پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر بود

<sup>1</sup> Boycott, Sanction

<sup>2</sup> Coercive

<sup>3</sup> Manipulative

(Lawrence, 1923: 61)، تنها بعد از جنگ جهانی اول بود که استفاده از تحریم به جای اقدامات نظامی مورد توجه جدی قرار گرفت که موضوع توسل به سلاح اقتصادی بعنوان سلاحی غیرنظامی برای برقراری صلح در متن میثاق جامعه ملل گنجانده شد (Article 16 of league of Nations Covenant). بعد از تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ و تصویب منشور ملل متحد، نظام تحریم شیوه نوینی به خود گرفت. شورای امنیت در دوران جنگ سرد تا سال ۱۹۹۰ تنها دو بار از ابزار تحریم استفاده نمود که نخستین بار علیه رودزبای جنوبی در سال ۱۹۶۶ بود (Sands and Klein, 2001: 18)، و دومین مورد علیه آفریقای جنوبی در خصوص سیاست آپارتاید در سال ۱۹۷۷ اعمال گردید (Reisman 7 Stevick, 1998: 36) پس از پایان جنگ سرد، شورای امنیت تا حدود زیادی سازوکارهای تحریم را فعال کرد. از سال ۱۹۹۰ تاکنون کشورهای عراق، یوگسلاوی، سومالی، لیبیا، هائیتی، ایران، روآندا، افغانستان و سوریه تحریم شده‌اند.

### پذیرش مشروط تحریم‌های اقتصادی از منظر حقوق بین‌الملل

از دید حقوق بین‌الملل، در آن دسته از تحریم‌های بین‌المللی که از طرف شورای امنیت سازمان ملل متحد و براساس فصل هفتم منشور اعمال می‌شود، مشروعیت لازم وجود دارد. بر همین اساس نوعی اجماع بین‌المللی نیز در اعمال تحریم دیده می‌شود و همین اجماع در مواردی تبدیل به عامل قابل ملاحظه‌ای در موفقیت تحریم‌ها می‌شود. شورای امنیت سازمان ملل متحد که وظیفه تضمین، حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌الملل را برعهده دارد، طبق فصل هفتم منشور ملل متحد از مواد ۳۹ تا ۵۱ زمانیکه شورا تشخیص دهد که وضعیت صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره می‌اندازد، به اقداماتی که در ماده ۴۱ درج گردیده است، متوسل می‌شود. هرچند باید اظهار داشت که شورای امنیت نیز باید در اعمال تحریم‌های اقتصادی، اصول و قواعد بین‌المللی را رعایت نماید.

بنابراین پیش از اینکه شورای امنیت براساس ماده ۴۱ اتخاذ تصمیم کند، بایستی به موجب ماده ۳۹ احراز شود که آیا «تهدید علیه صلح»، «نقض صلح» یا «اقدام تجاوزکارانه» صورت گرفته است یا خیر؟ به عبارت دیگر تصمیمات شورای امنیت براساس فصل هفتم، فقط با احراز یکی از مفاهیم مندرج در ماده ۳۹ باید اخذ شود. در صورت احتمال بروز هرکدام از این موارد، یکی از راه‌های پیش‌بینی شده جهت اعمال فشار بر کشورهای ناقض صلح یا متجاوز، برقراری تحریم بعنوان یک راه‌حل غیرنظامی می‌باشد. اما آنچه در اینجا مطرح می‌شود، این است که با بررسی رویه عملی شورای امنیت، این رکن اغلب یا بنا به دلایل سیاسی مایل به تعیین صحیح محدوده اینگونه موارد یا به جهت وتوی اعضای دائم خود قادر به انجام چنین عملی نبوده است (Majlesi, 1999: 36)، که همین امر موجب بی‌اعتمادی اعضای سازمان ملل به عملکرد شورای امنیت شده است.

طبق ماده ۴۱ منشور «شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد برای اجرای تصمیمات خویش لازم است به چه اقداماتی که مستلزم بکارگیری نیروهای مسلح نباشد، دست بزند؛ همچنانکه می‌تواند از ملل متحد بخواهد که به این قبیل اقدامات مبادرت ورزند. این اقدامات ممکن است شامل: متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات هوایی، دریایی، راه آهن، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی باشد». یکی از کامل‌ترین و گسترده‌ترین تحریم‌های اقتصادی صورت گرفته توسط شورای امنیت، تحریم عراق با تصویب قطعنامه ۶۶۱ در اوت ۱۹۹۰ می‌باشد. این قطعنامه جزئیات منع هرگونه روابط اقتصادی، نظامی و مالی با دولت عراق و کویت تحت اشغال را تدوین کرده است. قسمت الف از بند ۳ این قطعنامه دولت‌ها را ملزم می‌کند که از واردات کالا و محصولاتی که از تاریخ تصویب قطعنامه از کویت و عراق صادر می‌شود، خودداری نمایند. همچنین قسمت ب و ج همین بند دولت‌ها را ملزم می‌کند که اتباع خود را از ارسال یا فروختن کالا یا محصول از جمله سلاح و تجهیزات نظامی دیگر بازدارند ( SC Resolution 661, 1990: 5).

### نقض مقررات بین‌الملل توسط تحریم‌های اقتصادی

۷۹

#### ۱- تحریم‌های اقتصادی ناقض مقررات منشور ملل متحد

منشور ملل متحد بعنوان سند تأسیس یک سازمان بین‌المللی، حاوی اصول و مقرراتی است که هدف آن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از طریق اقدامات دسته‌جمعی، توسعه روابط دوستانه، دستیابی به همکاری بین‌المللی در حل مسائل و مشکلات بین‌المللی است. تحریم‌ها از جمله ابزارهایی است که موسسین سازمان ملل متحد در منشور پیش‌بینی نمودند تا از طریق آن اختلافات بین‌المللی حل‌وفصل گردند. اما گاهی همین ابزار که به منظور اعاده وضعیت خلاف حقوق بین‌الملل اعمال می‌گردد، حقوق بین‌الملل و اصول مندرج در منشور را نقض می‌کند. مطابق بند ۱ ماده ۱ منشور یکی از اهداف ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است و به این منظور باید اقدامات دسته‌جمعی موثری را برای پیشگیری و رفع تهدیدات علیه صلح و سرکوب اعمال تجاوزکارانه و ناقض صلح به عمل آورند. بنابراین چنانچه تحریم‌های اقتصادی کارایی لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نداشته باشند، نباید اعمال گردند.

دولت‌ها بعنوان تابعان مستقل حقوق بین‌الملل برعهده گیرنده تعهدات عام بین‌الملل در رابطه با دیگر کشورها به صورت کل هستند. از آنجائیکه شهروندان یک کشور به احتمال فراوان قادر به تهدید علیه صلح نمی‌باشند، بعید است اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه آن بعنوان اقدامی موثر به منظور اعاده صلح تلقی گردد (Davidson, 2003: 57).

طبق قطعنامه ۳/۴۰ مجمع عمومی مصوب ۱۹۸۵ تحت عنوان "اعلامیه سال بین‌المللی صلح"، ترویج و توسعه صلح و امنیت بین‌المللی نیازمند اقدامات اثباتی و ایجابی دولت‌ها و ملت‌هاست. این اقدامات جهت حصول نتیجه مطلوب، نیازمند توجه و احترام به یک سری امور از جمله احترام به توسعه اقتصادی ملت‌ها، تقویت و توسعه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، بالابردن سطح کیفی زندگی، برآوردن نیازهای بشر و حفظ محیط زیست است (Bruno, 1995: 16).

اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها از جمله اصولی است که در بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد به صراحت آمده است و از مقدمه و دیگر مواد منشور تلویحاً قابل برداشت می‌باشد و رویه دولت‌ها وجود این اصل را با جدیت مورد تأیید قرار می‌دهد و یک اجماع حقوقی میان دولت‌ها در این مورد وجود دارد. این اصل در معاهدات بسیار دیگر و نیز عرف بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است و مداخله اعم از مداخله مستقیم و یا غیرمستقیم و یا دخالت در امور داخلی و یا خارجی کشورها را منع می‌کند. دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی فعالیت‌های شبه‌نظامی علیه نیکاراگوئه این اصل را بدین صورت تأیید می‌کند، "باتوجه به یک قاعده عموماً پذیرفته شده، اصل مداخله نکردن، هر کشور یا گروهی را از مداخله مستقیم یا غیرمستقیم در امور داخلی دولت‌های دیگر بازمی‌دارد" (ICJ Report, 1986: 48). در قطعنامه شماره ۱۸۰۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۶۲، بر اصل حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود تأکید شده است. بند ۲ ماده ۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ نیز اعلام می‌دارد: کلیه ملت‌ها می‌توانند برای نیل به اهداف خود منابع و ثروت‌های طبیعی خود را بدون لطمه به تعهدات ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین‌الملل آزادانه به مصرف برسانند. چنانکه گفته شد، تحریم‌ها علاوه بر اهداف آشکار و اعلام شده خود، اهدافی پنهان را نیز دنبال می‌کنند که از جمله آنها می‌توان به تلاش برای تغییر رژیم سیاسی کشور هدف از طریق اعمال فشار اقتصادی اشاره نمود. بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد بطور ضمنی این ضرورت را مورد تأیید قرار می‌دهد و از کلیه اعضاء می‌خواهد که در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولتی یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مبیانت داشته باشد خودداری کنند. هیچ تردیدی نیست که همکاری‌های بین‌المللی یکی از مقاصد سازمان ملل متحد است و تحریم اقتصادی بطور جدی همکاری‌های بین‌المللی را تهدید می‌کند. همکاری‌های بین‌المللی یکی از مهمترین عوامل در جهت تعدیل وضعیت‌های بحرانی می‌باشد. طبق استدلالی که بیشتر از جانب کشورهای در حال توسعه حمایت می‌شود، این ماده در خصوص تعهد اعضا به خودداری از زور، تنها شامل زور نظامی نمی‌باشد بلکه زور سیاسی و اقتصادی را نیز در می‌گیرد (Buccheit, 1976: 1). هر چند طی تفسیری که کمیسیون حقوق بین‌الملل از این مفهوم ارائه نموده، چنین بیان می‌دارد که «منع استفاده از زور منطقی می‌تواند اقدامات اقتصادی و سیاسی را نیز دربرگیرد، زمانیکه

اینگونه فشارها از نظر میزان و شدت معادل تجاوز نظامی باشد» (Report of the CGA, 1995: 79). شایان ذکر است که محدودیت‌های استفاده از زور (تحریم‌های اقتصادی) نسبت به تحریم‌های اقتصادی دسته‌جمعی طبق فصل هفتم توسط شورای امنیت قابل اعمال نیست؛ چراکه طبق بند ۷ ماده ۲ منشور سازمان ملل، استفاده از اقدامات قهری طبق فصل هفتم منشور یکی از دو استثناء استفاده از زور می‌باشد.<sup>۱</sup> ماده ۲۴ منشور ملل متحد وظایف و اختیارات شورای امنیت را معین می‌کند و مقرر می‌دارد که «به منظور تأمین اقدام سریع و موثر از طرف ملل متحد اعضای آن مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار می‌نمایند و موافقت می‌کنند که شورای امنیت در اجرای وظایفی که به موجب این مسئولیت برعهده دارد از طرف آنها اقدام نماید.» «شورای امنیت در اجرای این وظایف برطبق مقاصد و اصول ملل متحد عمل می‌کند. اختیارات مخصوصی که برای انجام وظایف مذکور به شورای امنیت واگذار گردیده در فصول ۶، ۷، ۸ و ۱۲ بیان شده است.»

طبق این ماده، اقدامات شورای امنیت باید براساس اصول و اهداف سازمان ملل متحد باشد. ماده ۱ منشور ملل متحد اهداف ملل متحد را بیان می‌دارد که براین اساس یکی از اهداف سازمان ملل «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است که برای نیل به این هدف بایستی اقدامات دسته‌جمعی موثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدید علیه صلح، متوقف ساختن عمل تجاوزکارانه یا هرگونه نقض صلح اتخاذ گردد و موجبات تعدیل و حل و فصل اختلافات بین‌المللی یا وضعیت‌هایی که ممکن است منجر به نقض صلح گردد با شیوه‌های مسالمت‌آمیز و برطبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل فراهم شود.» بنابراین شورای امنیت در اعمال اقدامات دسته‌جمعی (از جمله تحریم‌ها) باید بنحوی عمل کند که ابتدا اصول و اهداف منشور که توسعه روابط دوستانه و ارتقای همکاری بین‌المللی است، نقض نگردد و سپس اینگونه اقدامات موثر باشند و برخلاف اصول عدالت و حقوق بین‌الملل نباشند. بنا به عقیده برخی، اگر صلح و امنیت به قیمت قربانی کردن عدالت بدست آید، در واقع صلحی بی‌ارزش است (Goodrich and Hambro, 1969: 114).

اصل تعیین سرنوشت یکی از دیگر اصول پایه‌ای حقوق بین‌الملل معاصر است. این اصل در بند ۲ ماده یک منشور و در زمره اهداف و مقاصد ملل متحد ذکر شده؛ منشور از حق تعیین سرنوشت بعنوان یکی از مبانی و پایه‌های روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز بین دولت‌ها و ملت‌ها یاد کرده است. مردم یک کشور حق دارند، آزادانه حکمرانان خویش را انتخاب نمایند و یک حکومت دموکراتیک داشته باشند و در عین حال دولت‌ها متعهد می‌شوند از مداخله در امور داخلی دیگر دولت‌ها که چنانچه گفته شد از اصول منشور هست، خودداری نمایند. در سال ۱۹۷۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در خصوص روابط

<sup>۱</sup> استثناء دیگر ماده ۵۱ منشور ملل متحد در خصوص حق دفاع از خود بصورت شخصی یا دسته‌جمعی است.

دوستانه و همکاری میان دولت‌ها براساس منشور ملل متحد را به تصویب رساند. براساس این اعلامیه «همه مردمان حق دارند آزادانه و بدون دخالت خارجی وضعیت سیاسی‌شان را تعیین کرده و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌شان را دنبال کنند و هر دولتی وظیفه دارد این حق را طبق مقررات منشور رعایت کند. در عین حال اعلامیه، دولت‌ها را موظف و متعهد می‌سازد از اقدامات قهرآمیز در جهت محروم کردن از حق تعیین سرنوشت خودداری کنند. در غیر اینصورت مردم حق دارند در مبارزه علیه چنین دولتی از حمایت بین‌الملل برخوردار شوند» (Cassese, 1996: 11). همچنین در این اعلامیه تأکید می‌کند که تهدید علیه عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی دولت‌ها مغایر با حقوق بین‌الملل است و توسل به اقدامات اقتصادی را به منظور دستیابی به هر نوع منفعتی محکوم می‌کند.

از آنجا که در حقوق بین‌الملل هیچ قاعده‌ای وجود ندارد که کشورها را ملزم نماید که با تمام کشورها بدون تبعیض رابطه تجاری داشته باشند، (William & Mestral, 1979: 98). لذا تخلف منع مداخله ممکن است در موارد استثنایی آن هم با در نظر گرفتن انگیزه‌ها و اهداف کشور تحریم کننده و اثرات ناشی از تحریم و رابطه وابستگی میان کشورهای مربوطه مطرح گردد. اما تحریم ثانویه که علیه کشورهای طرف ثالثی که با کشور تحریم شونده در حال دادوستد و معامله هستند، بعنوان مداخله غیرقانونی تلقی می‌شود. ماده ۳۳ منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت‌ها را اعلام می‌دارد که هیچ دولتی نمی‌تواند از اقدامات اقتصادی، سیاسی و یا هر نوع دیگر از این اقدامات برای مجبور کردن دولتی دیگر به منظور فرمانبرداری از آن در اعمال حق حاکمیت خود استفاده کند یا این اقدام را تشویق نماید.

۸۲

قطعه‌نامه ۲۱۳۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۶۵ نیز اشاره می‌کند که «هیچ دولتی حق ندارد بطور مستقیم یا غیرمستقیم به هر دلیلی در امور داخلی یا خارجی دولت دیگری مداخله کند». همچنین طبق ماده ۵۳ منشور سازمان ملل متحد «انجام هرگونه اقدام قهری علیه کشورها بدون مجوز شورای امنیت» فاقد جاهت قانونی است. همچنین ماده ۳۲ منشور سازمان ملل متحد نیز «بکارگیری اقدامات سیاسی و اقتصادی برای بازداشتن یک کشور از اعمال حقوق حاکمیتی خویش» را دارای منع قانونی تلقی نموده و آن را غیرمشروع بر می‌شمرد.

## ۲- تحریم‌های اقتصادی ناقض اصول و قواعد حقوق بین‌الملل اقتصادی

در دنیای امروز وابستگی ملت‌ها به یکدیگر امری کاملاً بدیهی به نظر می‌رسد و با در نظر گرفتن این واقعیت که ملت‌ها نمی‌توانند در زمینه اقتصادی به مرحله خودکفایی کامل دست پیدا کنند، وابستگی آنها به یکدیگر امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد و روابط تجاری بین‌المللی بعنوان یک ضرورت در عرصه روابط بین دولت‌ها مورد قبول می‌باشد. هدف و انگیزه روابط تجاری بین‌المللی صرفاً برطرف کردن احتیاجات طرفین نمی‌باشد،



بلکه بایستی در مواردی که یکی از طرفین، کشوری در حال توسعه است از آن همچون ابزاری برای توسعه اقتصادی‌اش استفاده نمود. تردیدی نیست که مبادلات تجاری در صورتی خواهد توانست نقش خود را به خوبی ایفا نمایند که نظام تجاری حاکم نابرابری‌های اقتصادی موجود را میان کشورهای در حال توسعه و پیشرفته مدنظر داشته باشد. امروزه با افزایش وابستگی متقابل دولت‌ها در زمینه اقتصادی؛ تحکیم و گسترش دادوستد بین‌المللی نه تنها ضرورتی اقتصادی است، بلکه اهمیت آن در زمینه سیاسی نیز مورد تردید نیست و در حال حاضر بعنوان یکی از اهداف حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است. در دنیای کنونی هیچ یک از ملت‌ها نمی‌توانند به مرحله خودکفایی در زمینه اقتصادی دست یابند و وابستگی آنها به یکدیگر اجتناب‌ناپذیر است. در این شرایط، روابط تجاری بین‌المللی به منزله یکی از ضرورت‌های جامعه بین‌المللی، مورد قبول همگان است.

منشور حقوق و وظایف اقتصادی کشورها که در سال ۱۹۷۴ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید، حاوی اصول و قواعدی ناظر بر نظام نوین تجارت بین‌المللی است و بر لزوم اعطای امتیازاتی به کشورهای در حال توسعه در زمینه تجارت بین‌الملل تأکید می‌کند و آن را در جهت دسترسی به هدف نهایی یعنی توسعه اقتصادی این کشورها از طریق گسترش دادوستد بین‌المللی امری ضروری می‌داند.<sup>۸۳</sup> از سوی دیگر توسعه اقتصادی به تدریج حقی بین‌المللی را تحت عنوان حق تجارت برای این دولت‌ها تثبیت کرده است و دولت‌ها موظفانند که از توسل به هر نوع اقدامی که با همکاری‌های بین‌المللی مغایرت داشته باشد خودداری کنند. علت اصلی روابط تجاری بین‌المللی، وابستگی آنها به یکدیگر در عرصه روابط اقتصادی است. به دنبال برقراری این روابط وابستگی در جهت همبستگی و این احساس به وجود می‌آید که منافع مشترکی در میان است؛ منافعی که عامل تعیین‌کننده در تکوین و اجرای مقررات جامعه بین‌المللی می‌باشند. برقراری روابط تجاری می‌تواند عامل فوق‌العاده موثری در جهت پیشرفت حقوق بین‌الملل و تضمین آن باشد و عملاً مشکلات ناشی از فقدان ضمانت اجرا را در حقوق بین‌الملل برطرف نماید. منشور ملل متحد با تأکید بر ضرورت گسترش روابط و همکاری‌های بین‌المللی تلویحاً این نظریه را تأیید می‌کند.

در اکثر اسناد مربوط به نظام نوین اقتصادی نیز از همکاری‌های بین‌المللی در زمینه اقتصادی و تجاری بعنوان بهترین عامل در جهت تعدیل روابط بحرانی موجود میان کشورهای در حال توسعه و پیشرفته یاد شده است. در قطعنامه صادره توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص نظام نوین اقتصادی گسترش روزافزون همکاری‌های بین‌المللی را عامل تعیین‌کننده‌ای در جهت استحکام صلح و امنیت بین‌المللی تلقی نموده است (GA Res 3362, 1975: 35). به همین جهت اهمیت تجارت بین‌الملل برای صلح جهانی ایجاب

<sup>۸۳</sup> مواد ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۲۴ و ۲۹ منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت‌ها.

می‌کند که دولت‌ها نه تنها در جهت گسترش آن از طریق حقوق بین‌الملل تلاش کنند، بلکه از اقدامات لازم به منظور جلوگیری از قطع روابط تجاری که می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره بیفکند، نیز غافل نباشند. نظریه وابستگی روزافزون کشورها در زمینه اقتصادی و اهمیت مبادلات تجاری برای تنظیم کنندگان منشور ملل متحد تحریم اقتصادی را بعنوان سلاخی برای وادار کردن دولت‌ها به رعایت مقررات منشور در نظر گرفته و شرایط توسل به آن را در فصل هفتم دقیقاً مشخص نموده‌اند. بنابراین توسل به تحریم اقتصادی تنها از طریق سازمان ملل متحد می‌تواند مشروع و قانونی باشد و تحریم اقتصادی به صورت یکجانبه و حتی به صورت جمعی توسط دولت‌های عضو سازمان ملل ناقض منشور به نظر می‌رسد.

کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) قطعنامه‌ای با عنوان «عدم قبول اقدامات اقتصادی قهرآمیز» صادر کرد که در آن اشاره می‌کند «تمام کشورهای توسعه‌یافته حق اعمال محدودسازی، محاصره، ممنوعیت معامله یا سایر مجازات‌های اقتصادی بعنوان شکلی از اجبار سیاسی که بر توسعه اقتصادی سیاسی و اجتماعی کشورها اثر گذارد ندارند». کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) با توجه به این مطلب در قطعنامه‌ای اعلام می‌کند که «این اقدامات کمکی بر ایجاد جو مسالمت‌آمیز که لازمه توسعه است» نمی‌کند (GA Resolution 38/152, 1993). براساس نظریه منع قانونی نه تنها تحریم ثانویه بلکه تحریم اولیه نیز مجاز نیست. این نظریه که از دو رویکرد حاکمیت کشورها و بیطرفی جدیدتر است، عمدتاً از نظریه‌های اقتصاد سیاسی کلاسیک لیبرال ناشی شده است. اقتصاددانان سیاسی کلاسیک لیبرال مدافعان سرسخت تجارت آزادند. لذا هرگونه اختلال عمدی و آگاهانه در جریان طبیعی و عادی معاملات اقتصادی را موجب خسارت و آسیب به تجارت جهانی می‌دانند (Zahrani, 1997: 14).

۸۴

در بسیاری از قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد تمام اشکال اجبار در زندگی بین‌المللی از جمله فشارهای اقتصادی حتی در صورت مبهم بودن این واژه محکوم شده‌اند. مجمع عمومی در قطعنامه شماره ۱۲۱۰ مورخ ۱۹۹۰ تحت عنوان «اقدامات اقتصادی بعنوان وسیله اجبار سیاسی و اقتصادی علیه کشورهای درحال توسعه» به شدت از کشورهای صنعتی می‌خواهد که از موضع برتر خود بعنوان وسیله اعمال فشار اقتصادی با هدف ایجاد تغییر در سیاست‌های اقتصادی، سیاسی، تجاری و اجتماعی سایر کشورها استفاده نکنند.

قطعنامه ۴۶/۲۱۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ ۱۹۹۱ از کلیه کشورها می‌خواهد که فشارهای اقتصادی یک‌جانبه را که با هدف مداخله در تصمیمات اتخاذ می‌شوند را لغو نماید. بند ۲ این قطعنامه، فشارهای اقتصادی را که شامل مسدود کردن سرمایه و اموال می‌شود را مغایر با منشور ملل متحد می‌داند. قطعنامه شماره ۵۱/۲۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ ۱۹۹۶ تحت عنوان «حذف تدابیر فشار اقتصادی بعنوان وسیله اجبار سیاسی و اقتصادی» ضمن غیرقانونی دانستن تحریم‌های یک‌جانبه با ویژگی

فراسرزمینی این قوانین را مغایر با حق دولت‌ها در تعیین سرنوشت اقتصادی خود می‌داند. بند ۲ این قطعنامه واضعان این قوانین را ملزم به حذف قوانین یک‌جانبه با ویژگی فراسرزمینی می‌کند که تحریم‌هایی را علیه شرکت‌ها و افراد بار می‌کند. بند ۳ از کلیه کشورها می‌خواهد که تدابیر اقتصادی یک‌جانبه با ویژگی فراسرزمینی را به رسمیت نشناسند.

موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) تحریم اقتصادی را از سوی اعضای سازمان تجارت جهانی در روابط با یکدیگر ممنوع ساخته است؛ با این حال طبق ماده ۲۰ این موافقت‌نامه تحریم‌های اقتصادی به منظور تضمین رعایت حقوق بین‌الملل بشر مجاز می‌باشد. تحریم‌های اقتصادی همچنین می‌تواند برخلاف اصل بنیادین حق توسعه مردمان باشد. پاراگراف ۵،۶،۷ اعلامیه وین و برنامه عمل ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ حق توسعه را به این‌صورت توصیف کرده است: «حق انسانی جدایی‌ناپذیر که به موجب آن هر انسانی و تمام مردم حق دارند در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که در آن، کلیه حقوق انسانی و آزادی‌های اساسی بطور کامل تحقق می‌یابد، مشارکت و همکاری کرده و از آن بهره‌مند شوند.» بند ۴ قطعنامه کمیسیون حقوق بشر تحت عنوان «حقوق بشر و اقدامات قهرآمیز یک‌جانبه» به صراحت محدودیت‌های تجاری، محاصره، ممنوعیت معامله، مسدود کردن دارایی‌ها را بعنوان اقدامات مجبورکننده‌ای فهرست می‌کند که از لحاظ حقوق بشر جرم محسوب می‌شوند (Commission of Human Rights Res 51/55, 1995).

۸۵

بنابر اصول و قواعد مندرج در موافقت‌نامه تعرفه و تجارت، تحمیل تحریم توسط هریک از اعضای سازمان تجارت جهانی علیه هریک از اعضای این سازمان نقض تعهدات بین‌المللی و مانع اصل آزادی تجارت و روابط اقتصادی است. سازمان تجارت جهانی ترتیبات چندجانبه‌ای را وضع نموده که تعهدات گسترده‌ای را به اعضای خود تحمیل می‌کند و آنها را ملزم به حفظ تجارت آزاد می‌نماید. براین اساس در بسیاری موارد، نقض تعهد توسط یک دولت طبق این موافقت‌نامه، ناشی از تحمیل تحریم‌هایی علیه دیگر دولت عضو می‌باشد. یک اقتصاد برای رشد و توسعه نیازمند به دست آوردن عوامل تولید از منابع مختلف است که می‌تواند نتیجه‌ای مناسب در جهت رشد اقتصادی به همراه داشته باشد. بنابراین، اقتصاد در هر صورت نیازمند منابع سرمایه‌ای، فناوری روزآمد، مواد اولیه، مدیریت و سازماندهی مناسب و نیروی انسانی ماهر است که در قالب عوامل تولید و با ترکیب مناسب، بتواند یک فعالیت اقتصادی در بخش‌های مختلف مانند صنعت، کشاورزی و خدمات را ایجاد کند. امروزه در دنیا هیچ کشوری فقط به منابع داخلی خود بعنوان عوامل تولید تکیه نمی‌کند، بلکه متکی بر منابع بین‌المللی به منظور افزایش قدرت تولید خود است و تلاش می‌کند تا چند برابر منابع داخلی خود، از منابع خارجی استفاده کند. در این صورت اولین اثر کلان تحریم، کاهش منابع بین‌المللی و غیرداخلی است. به عبارت دیگر در صورت تحریم، عوامل تولید خارج از مرزهای ملی، وارد اقتصاد داخلی یک کشور

نمی‌شود. در نتیجه اقتصاد نمی‌تواند با اتکای محض به منابع داخلی در مسیر شتابان رشد و توسعه قرار گیرد. از طرف دیگر، یک اقتصاد سالم و مولد با حضور در بازارهای بین‌المللی و افزایش قدرت رقابت‌پذیری، می‌تواند به بالندگی برسد و اگر سهمی از بازارهای جهانی نداشته باشد، به تدریج دچار رکود می‌شود و با فاصله گرفتن از فضای رقابتی، کارآیی خود را نیز از دست می‌دهد. در عین حال، گرفتن سهم از بازارهای بین‌المللی نیازمند وجود شرایط عادی در فضای سیاسی داخلی و بین‌المللی است. نتیجه اینکه اگر کشوری در شرایط تحریم قرار گیرد، نمی‌تواند سهم مناسبی از بازارهای بین‌المللی را به خود اختصاص دهد و رقابت‌پذیری خود را نیز از دست می‌دهد. پس بطور کلی، تحریم از یک سو عرضه منابع و عوامل تولید را در اقتصاد کاهش خواهد داد و از سوی دیگر نیز با کاهش سهم اقتصاد از بازارهای جهانی، فاصله یک کشور را با سایر کشورهای همسایه به تدریج افزایش می‌دهد که تجلی این دو اثر در کاهش رشد اقتصادی کشور نمایان می‌شود. به این ترتیب، کاهش رشد اقتصادی اصلی‌ترین تأثیر کلان تحریم است.

### ۳- تحریم‌های اقتصادی ناقض اصول حقوق بشر و بشردوستانه

در اعمال تحریم‌های اقتصادی توسط شورای امنیت، اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه بایستی توسط این رکن رعایت گردد، در غیر اینصورت آنگونه اقدامات قهری غیرقانونی و نامشروع تلقی خواهد شد (Geneva Convention, 1949: 108). کمیسیون فرعی ارتقا و حمایت از حقوق بشر در سال ۲۰۰۲ طی قطعنامه‌ای درخصوص "حقوق بشر و اثرات حقوق بشری تحریم‌ها" از کمیسیون حقوق بشر درخواست نمود تا اعضا، نهادها، ارکان و ارگان‌های ذیصلاح سازمان ملل را ملزم نماید تا اجرای تمامی اصول حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه رعایت کنند و از شورای امنیت بعنوان حلقه اصلی این زنجیره خواست تا رژیم تحریم‌ها را با اجازه ارسال کالاهای مورد نیاز از جمله غذا، کمک‌های بهداشتی و دارو و دیگر وسایل مورد نیاز و حیاتی برای سلامت آنها، تلطیف کند تا تحریم‌ها اثرات کمتری بر جمعیت غیرنظامی داشته باشد. از اینرو کمیسیون از جامعه بین‌المللی درخواست می‌کند تا اقدامات مقتضی و فوری را جهت کاهش اثرات حقوق بشری تحریم‌ها بر جمعیت‌های کشورهای هدف اتخاذ نمایند (Ibid, 14-17).

اعلامیه حقوق بشر بعنوان اولین سند حقوق بشری دربردارنده حقوق بنیادین و اساسی بشر است که اگرچه جنبه اعلامی دارند اما با توجه به اینکه این اصول بعداً در قوانین اساسی کشورها آمد و در سایر اسناد بین‌المللی الزام‌آور درج گردید، جنبه الزام‌آور به خود گرفته است و کشورها باید این اصول را در عرصه روابط بین‌المللی رعایت نمایند. طبق اصول مندرج در این اعلامیه هر شخصی حق دارد از آزادی‌های بنیادین برخوردار گردد و از رفاه و امنیت لازم برای رشد شخصیت و تعالی روح بهره‌مند شود و از این حقوق نباید محروم گردد. مقدمه منشور ملل متحد، اعتلای حقوق بشر و حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و ایجاد شرایط بهتر زندگی

را در زمره اهداف اساسی سازمان قرار داده است. همچنین یکی از اهداف ملل متحد در بند ۳ ماده ۱ حصول همکاری‌های بین‌المللی در پیشبرد احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب عنوان شده است. اعلامیه حقوق بشر نیز اساس صلح را بر شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری دانسته است و تأمل در نتایج مصیبت‌بار خوار شمردن و زیر پا گذاشتن حقوق بشر، توجه به رابطه منطقی رعایت این حقوق با برپایی صلح میان ملت‌ها، زمینه‌های فکری پدیدآورندگان این اعلامیه بوده است (Falsafi, 1996: 10).

در مقدمه هر یک از میثاقین که به یک صورت آمده است، نه تنها به اصول مندرج در منشور ملل متحد که به اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره شده و همچنین بر این واقعیت تأکید گردیده که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق برابر و غیرقابل انتقال بودن آنها، اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است. احترام به حقوق بشر و ارزش‌های بشردوستانه یکی از محدودیت‌های اساسی است که بر حق توسل به اقدامات متقابل به شمار می‌رود. در این مورد کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد تأکید نموده است: «افراد مقیم در یک کشور نباید به این دلیل که رهبران‌شان قواعد مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی را نقض کرده‌اند، از حقوق اساسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود محروم گردند».<sup>۲</sup>

همچنین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۲۶۷۵ مصوب ۱۹۷۰ موسوم به «اصول اساسی ۸۷ حمایت از جمعیت‌های غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه» تصریح نموده است که تعهد به احترام به حقوق بشر یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل است که با تفسیر موسع و به طریق اولی به اقدامات اجرایی غیرنظامی نیز تسری می‌یابد (GA RES, 1970: 76). شورای امنیت با تصویب قطعنامه‌هایی از جمله قطعنامه ۹۲۹ مصوب ۱۹۹۴ کشتار منظم و گسترده غیرنظامیان را تهدیدی علیه صلح قلمداد کرده است، یا قطعنامه ۱۲۶۴ مصوب ۱۹۹۹ و قطعنامه ۱۲۷۲ مصوب ۱۹۹۹ را "در خصوص اقدامات خشونت‌بار علیه مردم تیمور شرقی" تصویب کرد. این نوع قطعنامه‌ها نشان‌گر آگاهی کامل شورا از اهمیت بالای احترام به حقوق بشر است، لیکن شورا با اعمال تحریم‌های بس‌خشن و ناعادلانه به صورت وسیع و گسترده موجب نقض حقوق بنیادین مردم آسیب‌پذیر کشورهای هدف می‌شود. طبق ماده ۵۰ طرح مواد مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، هرگونه رفتار متقابلی که تخطی از حقوق بشر باشد، در شمار اقدامات متقابل ممنوعه قرار می‌گیرد. علیرغم اینکه

<sup>1</sup> UN Doc.A/CN:4/440/add.1 and A/CN.4/444/add 1, In Yearbook of ILC, 1992.

<sup>2</sup> UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights, General Comment, No.8 (1997). The Relationship between sanctions and Economic, Social and Cultural Rights. UN.doc.E.C. 12/1997/8.

مفهوم حقوق اساسی یا بنیادین بشر در طرح مزبور تعریف نشده است، اما مسلم است که این حقوق دستکم شامل حقوق غیرقابل عدول مندرج در میثاق حقوق مدنی و سیاسی می‌باشند (Davidson, Ibid: 61). بند ۱ ماده ۴ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت‌های عضو این میثاق را ملزم می‌کند که هیچگونه محدودیتی در بهره‌مندی از حقوق مندرج در این میثاق نباید اعمال گردد و در بند ۳ همین ماده نیز بیان می‌کند که این حقوق به بهانه اینکه این میثاق و حقوق مندرج در آن به رسمیت شناخته نشده است و یا به میزان کمتری به رسمیت شناخته شده است، پذیرفته نخواهد بود. حق بر غذا یکی از اصول اساسی حقوق بشر است که نخستین بار در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر این چنین مورد تأکید قرار گرفت: «هرکس حق دارد که سطح زندگی، سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک، مسکن و مراقبت‌های پزشکی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند». نقض این حق «تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی توصیف شده» (Ibrahim Gol, 2009: 2-4)، و شورای امنیت، خود بر ارتباط میان این حق و برقراری صلح و امنیت بین‌المللی، صحه گذاشته است (SC Resolution 794, 1992: 78). کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل متحد در دسامبر ۱۹۹۷ بر این نکته تأکید کرد که «توجه بیشتری جهت حمایت از حقوق اقشار آسیب‌پذیر کشورهای هدف، نیاز است و تحریم‌ها این قابلیت را دارند که حقوق بنیادین اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (Kondoch, 1991: 280)، را نقض کنند».

۸۸

برخی معتقدند که موازین حقوق بشردوستانه بین‌المللی شامل برنامه‌های تحریم اقتصادی که در خلال یک مخاصمه مسلحانه اعمال می‌گردند، نیز می‌شود. براساس قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، جمعیت غیرنظامی باید در قبال جنگ و آثار آن تا حد امکان همواره از ضروریات زندگی از جمله غذا، آب آشامیدنی، مسکن، دارو و مراقبت‌های پزشکی بهره‌مند باشند (Bussuyt, 2012: 14). این دیدگاه مورد قبول کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر نیز قرار گرفته است. این کنفرانس در بیست و ششمین نشست خود در سال ۱۹۹۵ تحت عنوان آثار انسانی تحریم‌های اقتصادی تصریح می‌نماید: «هرگونه برنامه تحریمی که در چارچوب مخاصمات مسلحانه برقرار می‌گردد، تحت حکومت حقوق بشردوستانه بین‌المللی قرار دارد که براساس آن لازم است بقا و نیازهای ضروری جمعیت غیرنظامی تأمین گردد»<sup>۱</sup>.

همچنین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در چندین قطعنامه از جمله قطعنامه‌های ۲۶۷۵، ۲۶۷۷ و ۳۳۱۸ قواعدی را در مورد حمایت از اشخاص در خلال مخاصمات مسلحانه بیان نموده است. مجمع در بند ۶ قطعنامه شماره ۳۳۱۸ موسوم به اعلامیه حمایت از زنان و کودکان در وضعیت‌های فوق‌العاده و مخاصمات مسلحانه اعلام می‌دارد: «زنان و کودکان که جزء جمعیت غیرنظامی می‌باشند و در وضعیت‌های فوق‌العاده و مخاصمات

<sup>1</sup> 26th International conference of the Red Cross and Red Crescent. Humanitarian Consequences of Economic Sanctions, at <http://www.icrc.org>.

مسلحانه قرار دارند، ... نباید از مسکن، غذا، کمک‌های دارویی یا سایر حقوق غیرقابل انتقال به موجب مقررات اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌های حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اعلامیه حقوق کودک یا سایر اسناد حقوق بین‌الملل محروم گردند» (GA Res 3318, 1974).

بدون شک مسایل زیست محیطی و توسعه در حقوق بین‌الملل معاصر از نمونه‌های حقوق بشر و جزء مقوله نسل سوم حقوق بشر محسوب می‌گردند. پیش طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۸۲، دارا بودن حق بر محیط زیست را یکی از اشکال حرمت حیثیت انسانی تلقی کرد که مکمل حقوق بشر برای نسل حاضر و شرط تحقق آن برای نسل‌های آینده است. ماده ۱۵ این پیش طرح، دولت‌های عضو را متعهد می‌دارد تا شرایط طبیعی حیات را دچار تغییرات نامساعدی نکنند که به سلامت و بهزیستی انسان صدمه وارد آید (Zamani, 2003: 47).

باید در اعمال تحریم‌ها به حفاظت از محیط زیست نیز توجه شود. باتوجه به اهمیت روزافزون محیط زیست برای بشر، هرگونه بحث در مورد مشروعیت یا عدم مشروعیت تحریم‌ها با لحاظ کردن محیط زیست صورت پذیرد. بعنوان نمونه تحریم‌های سوختی علیه هائیتی به شدت موجب افزایش چشمگیر قطع درختان در این کشور شد (Reisman & Stevick, Ibid: 85). که فواید زیست محیطی آنها بر کسی پوشیده نیست. بنابراین تحریم‌های اقتصادی بعنوان ابزاری در جهت تضمین اجرای قواعد بین‌المللی و نیز اعاده و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اهمیت فراوانی یافته است. این اقدام برطبق حقوق بین‌الملل اساساً مشروع است، مگر آنکه هدف از آن اعمال فشار و سلطه بر سایر کشورها و یا مغایر با تعهدات قراردادی کشورها باشد. اعمال تحریم‌های اقتصادی در مواردی هم که مشروعیت دارد منوط به رعایت قواعد و مقررات بین‌المللی می‌باشد و تابعان حقوق بین‌الملل باید در اعمال تحریم‌های اقتصادی، برخی محدودیت‌های حقوقی را بپذیرند و در چارچوب آن اقدام نمایند.

### تبیین راهکارهای جایگزین برای تحریم اقتصادی مخرب

چنانچه در مبحث پیشین گفته شد، تحریم‌های اقتصادی که برطبق منشور ملل متحد و فصل هفتم که توسط شورای امنیت اعمال می‌شوند، از مشروعیت لازم در جامعه بین‌الملل برخوردارند. اگرچه تصمیمات سازمان ملل برای تمامی اعضا در مواردی که برطبق منشور به عمل می‌آورد لازم‌الاجراست (ماده ۲۵ منشور ملل متحد) و زمانی که علیه دولتی اقدامات احتیاطی یا قهری به عمل می‌آورد، نباید به آن کشور کمک کند، (بند ۵ ماده ۲ منشور ملل متحد) اما سازمان ملل و شورای امنیت که اعمال کننده تحریم‌های اقتصادی علیه دولت‌های ناقض حقوق بین‌الملل است، تصمیماتش نباید در اعمال تحریم‌ها اصول حقوق بین‌الملل را نقض

نماید. چنانچه در متن منشور آمده: «یکی از مقاصد سازمان ملل متحد پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بدون هرگونه تبعیضی است.» (پاراگراف ۳ ماده ۱ منشور ملل متحد) لذا تحریم‌های شورای امنیت نباید بر روی شهروندان کشور هدف تأثیر بگذارد؛ چرا که این دولت‌ها هستند که اصول و قواعد حقوق بین‌الملل را نقض می‌نمایند و توده‌های مردم در این امر نقشی ندارند. اما در عوض، تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه و چندجانبه خارج از شمول مقررات منشور ملل متحد، که کشورهای قدرتمند مثل آمریکا یا اتحادیه اروپا علیه کشورهای ضعیف به منظور دستیابی به سیاست‌های خود تحمیل می‌کنند، فاقد مشروعیت می‌باشند.

### ۱- تحریم‌های هوشمند در چارچوب سازمان ملل متحد

ایده اتحاد و پیوستگی میان دولت و ملت در حقوق بین‌الملل سنتی، امری کاملاً پذیرفته به شمار می‌رفت. در آن دوران، جنگ تام نبرد میان ملت‌ها را به ذهن متبادر می‌ساخت و شهروندان دولت حتی در خارج از مرزهای کشور خویش نیز ناگزیر تبعات جنگی که کشورشان در آن درگیر شده، بود را می‌پذیرفتند. از نیمه دوم قرن نوزدهم، با رسوخ اندیشه‌های انسانی در معاهدات ناظر بر مخاصمات، این وضعیت به تدریج دچار تحول شد. اصل تفکیک و ممنوعیت حمله به اهداف و افراد غیرنظامی، و نیز در پیش گرفتن رفتاری انسانی با زندانیان جنگی، پایه و اساس تحولی است که در کنفرانس‌های صلح لاهه (۱۸۹۹ و ۱۹۰۷) و اسناد تنظیم شده در آن کنفرانس‌ها به وجود آمد. این فرایند در کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ تکامل یافت و از اوایل دهه ۱۹۹۰ با ایجاد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی جهت مجازات جنایتکاران جنگی به اوج خود رسید. این فرایند حکایت از آن دارد که حقوق بشردوستانه بین‌المللی ضمن محدود ساختن حق دولت‌های متخاصم در استفاده از شیوه‌ها و وسایل نبرد، صرفاً انهدام اهداف نظامی و کشتن نظامیان دشمن در زمان مخاصمات مسلحانه را تا زمانی که به اسارت در نیامده‌اند، مشروع قلمداد کرده است. بدیهی است که اگر حقوق بین‌الملل در زمان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی یا غیربین‌المللی، نیروهای متخاصم را ملزم ساخته است که اقدامات خصمانه خویش را متوجه یکدیگر سازند و از تعمیم آن به دیگران پرهیزند، به طریق اولی در زمان صلح نباید مجوز اتخاذ اقداماتی را صادر کند که برای تحت فشار قرار دادن تعدادی قلیل، جمعی کثیر را قربانی می‌کند.

تحریم‌های بین‌المللی که در قالب سازمانی آن، از جمله در چارچوب فصل هفتم منشور مورد توجه قرار گرفته‌اند از این ظرفیت برخوردارند که با تحت فشار قرار دادن دولتی خاص، آن را به تمکین در مقابل اراده شورای امنیت بعنوان نماینده جامعه بین‌المللی، وادار سازند. براساس ماده ۵۰ منشور، شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیمات خویش، لازم است به چه اقداماتی که متضمن استفاده از نیروی



مسلح نباشد مبادرت ورزد، همچنانکه می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد که به این اقدامات مبادرت ورزند. این اقدامات ممکن است متضمن توقف تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی، ارتباطات ریلی، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی باشد. ناگفته پیداست که تحریم کشور، طبعاً آثار سوئی برای مردم آن دارد. چنین امری لزوماً به معنای اعمال فشار موثر بر دولت هدف نیست. هدفمند و هوشمند شدن تحریم‌ها می‌تواند تا حد زیادی، مانع بروز چنین تبعاتی شود.

## ۲- تعریف تحریم هوشمند یا هدفمند و انتقادات وارد بر آن

تحریم‌های هوشمند، تحریم‌هایی هستند که علیه آن دسته از افراد، گروه‌ها یا مقامات عالی رتبه اعمال می‌شوند که مسئول تخلف از قواعد بین‌المللی هستند. این تحریم‌ها بگونه‌ای طراحی می‌شوند که هزینه و بهای عدم تمکین از مقررات بین‌المللی را برای دولت هدف، افزایش داده و در عین حال از فشار و رنجی که اغلب از اعمال تحریم‌های جامع بر اقشار آسیب‌پذیر تحمیل می‌شود، حذر می‌کنند. به عقیده اکثریت قریب به اتفاق صاحب‌نظران، اصطلاح تحریم‌های هوشمند یا هدفمند ناظر بر اقداماتی است که بر علیه اشخاص حقوقی یا حقیقی (دولتی و غیردولتی) اعمال می‌شود. این اقدامات همچنین می‌تواند برخی محصولات یا کالاها یا برخی فعالیت‌ها را چنانچه اوضاع و احوال در مورد خاص اقتضا نماید، در برگیرد. تحریم‌های هوشمند برای جلوگیری از بروز معضلات حقوق بشری و آثار جانبی ناخواسته ناشی از اعمال تحریم‌های جامع، مطرح-<sup>۹۱</sup> نظر قرار گرفتند. در اعمال این نوع تحریم‌ها تلاش بر این است که اصول حقوق بشردوستانه و حقوق اساسی نوع بشر تا حد ممکن رعایت و از فشار بیرحمانه‌ای که تحریم‌های جامع بر مردم بی‌گناه کشورهای هدف تحمیل می‌کردند، کاسته شود. تحریم‌های مالی محور اصلی تحریم‌های هوشمند را تشکیل می‌دهند و اقداماتی از چون مسدود کردن دارایی‌ها در خارج از کشور، لغو استمهال بدهی‌های خارجی و خودداری از اعطای اعتبارات، وام‌ها و کمک‌های دولتی را شامل می‌شوند. اقداماتی نظیر محدودیت‌های مسافرت‌های هوایی، محدودیت مسافرت و فعالیت دیپلمات‌ها و تحریم‌های ورزشی (بعنوان تدابیر غیرمالی) نیز در شمار تحریم‌های هدفمند قرار می‌گیرند. اینگونه تحریم‌ها محدودیت‌های تسلیحاتی و کالاهای تجاری را نیز دربر می‌گیرند. بنابراین وجوه بارز تحریم‌های هدفمند به نوع تحریم‌ها و اشخاص مورد تحریم باز می‌گردد. این تحریم‌ها واجد آثار مثبت مضاعفی خواهند بود. از یک‌سو باتوجه به معین شدن اشخاص حقیقی یا حقوقی مورد تحریم، کارآیی آنها تا حد زیادی افزایش خواهد یافت و از سوی دیگر این ویژگی مانع از آن خواهد شد که اشخاص ثالث مستقیماً تحت تأثیر تحریم‌ها قرار گیرند.

چنانکه می‌دانیم میان حقوق بشر و صلح و امنیت بین‌المللی، رابطه تنگاتنگی وجود دارد. اما صلحی که به قیمت قربانی کردن حقوق بشر به دست آمده باشد نمی‌توان صلح نامید. صلحی که با نقض قواعد حقوق بشر

و قواعد آمره بین‌المللی به دست آید، صلحی پایدار نیست. بنابراین باتوجه به ضربات مهلکی که تحریم‌های جامع شورای امنیت بر افراد بی‌گناه وارد آوردند و با در نظر گرفتن هدف شورا از اعمال اینگونه تحریم‌ها که همانا برقراری صلح و امنیت جهانی است، می‌توان چنین اذعان داشت که اینگونه تحریم‌ها با نقض حقوق بشر، در بلندمدت، خود از موجبات تهدید صلح خواهند بود و شورا با اعمال چنین تحریم‌هایی نقض غرض کرده است. شورای امنیت در رویه خود بر این حقیقت صحنه گذاشته است<sup>۱</sup> (Falsafi, 2008: 15). باتوجه به این مطالب به نظر می‌رسد تحریم‌های هوشمند که سعی در الزام به رعایت حقوق بشر دارند و تا حد ممکن به دنبال کاهش آثار زیان‌بار تحریم‌های جامع بر مردم عادی کشورهای هدف هستند، بتوانند شورای امنیت را به سوی برقراری صلحی پایدار هدایت کند.

این رویکرد جدید که برای پاسخگویی به ایرادهایی که به تحریم‌های همه‌جانبه وارد می‌شد، پدید آمد، خود مبرا از انتقاد و ایراد نمانده است. رویه شورای امنیت و کمیته‌های ویژه تحریم در مورد نحوه شناسایی و درج نام اشخاص در فهرست سیاه کمیته‌ها و چگونگی خارج کردن نام آنها از این فهرست‌ها، انتقادهایی را از حیث انطباق با «استانداردهای بین‌المللی» حمایت از حقوق بشر برانگیخته است (Cot and Pierre, 2005: 47). به‌رغم مزایایی که نسل جدید تحریم‌های بین‌المللی دارد، اینگونه تحریم‌ها مشکلات خاص خود را از جمله عدم وجود راه‌های رسیدگی قضایی به ادعاها و اعتراضات اشخاصی که نام‌شان در فهرست کمیته‌های ویژه تحریم قرار گرفته است، دامن زده است. این رویه مشکلاتی را به ویژه در مورد عدم احترام به برخی حقوق ماهوی و شکلی اشخاصی که نام‌شان در فهرست کمیته‌های ویژه تحریم قرار گرفته مطرح ساخته است. اگرچه دایره افرادی که هدف تحریم‌ها قرار می‌گیرند، محدود به افرادی که متخلف هستند، نمی‌شود و ممکن است اعضای خانواده آنها را نیز دربرگیرد (Cot and Pierre, Ibid: 19)، که البته با وجود ایجاد مشکلاتی برای آنها، باید گفت در وضع کنونی توسعه نظام حقوق بین‌الملل، اعمال اصل شخصی بودن جرایم و مجازات‌ها بر تحریم‌ها بی‌فایده است؛ چرا که اعمال اینگونه تحریم‌ها اشخاص هدف را مجبور خواهد کرد تا حداقل برای رهایی از برخی آثار تحریم‌ها نسبت به خود و یا خانواده خود، از اعمال ناقض و خلاف حقوق بین‌الملل دست بکشند. قطعنامه ۱۳۹۰ مصوب سال ۲۰۰۲ شورای امنیت اولین قطعنامه‌ای است که اتخاذ اقدامات قهری علیه اشخاص را مقرر داشته است که هیچگونه پایگاه سرزمینی ندارند. به جز این قطعنامه شورا در چارچوب

<sup>۱</sup> پس از جنگ سرد، شورا با ارائه تفسیر موسع از مفهوم صلح، نسبت به موضوعات متنوعی واکنش نشان داده است که موارد نقض حقوق بشر و بشر دوستانه از عمده این موضوعات هستند. برای مثال: «در قضیه سومالی، شورای امنیت نهایتاً و به صورتی آشکار، موارد نقض حقوق بشر و بشر دوستانه را، صر فنظر از آثاری که بر جای می‌گذارند، از مصادیق تهدید بر صلح به شمار آورده است: قطعنامه ۱۹۹۲.۷۹۴ شورای امنیت».

مبارزه کلی علیه تروریسم، قطعنامه ۱۳۷۳ را در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ در پی واقعه ۱۱ سپتامبر همان سال تصویب کرد. این قطعنامه از همه دولت‌ها می‌خواهد از تأمین هزینه اعمال تروریستی ممانعت کرده و آن را جرم تلقی کنند. برای این تحریم‌ها هیچگونه محدودیت زمانی پیش‌بینی نشده است (Shaygan, 2009: 46-47). انتقادهای وارده به آئین‌های رسیدگی کمیته‌های تحریم، اعضای سازمان ملل متحد را بر آن داشت که در «سند برآمد اجلاس جهانی» از شورای امنیت درخواست کنند تا با پشتیبانی دبیرکل از وجود آئین‌های منصفانه و شفاف برای قرار دادن و گروه‌ها در فهرست اشخاص هدف و حذف نام آنها، و نیز برای اعطای معافیت بشردوستانه اطمینان حاصل نماید.<sup>۲</sup>

برای منصفانه و شفاف کردن آئین‌های رسیدگی چهار عنصر اساسی ضروری است:

- ۱- هر شخص هدف حق دارد در اسرع وقت از اقدامات شورای امنیت مطلع شود و علل آن اقدامات را بداند؛
- ۲- هر شخص هدف حق دارد که اظهاراتش کتباً در یک مهلت معقول به وسیله رکن تصمیم‌گیرنده صالح شنیده شود؛
- ۳- هر شخص هدف حق دارد که پرونده‌اش به وسیله یک سازکار رسیدگی موثر مورد بررسی مجدد قرار گیرد؛
- ۴- شورای امنیت می‌باید در صورت اقتضا به واسطه کمیته‌های تحریم به بررسی منظم تحریم‌هایی که علیه اشخاص اعمال کرده است، اقدام نماید.

### تغییرات لحاظ شده از سوی شورای امنیت در ساختار اعمال تحریم‌های هوشمند

نارسایی‌های تحریم‌های هوشمند عمدتاً مبتنی بر عدم رعایت اصول عدالت در دادرسی و متعاقب آن، نقض حقوقی همچون حق دادرسی منصفانه و حق دادخواهی موثر بودند. این نارسایی‌ها خود زمینه‌ساز پیدایش معضلاتی در اعمال اینگونه تحریم‌ها را فراهم آورد. رفع این مشکلات مستلزم ایجاد تغییرات و اصلاحاتی در اعمال تحریم‌های هوشمند است. توسعه یک طرح و برنامه منظم برای این منظور، نیازمند توجه و دقت در سیستم تحریم‌های هوشمند می‌باشد؛ تحریم‌های هوشمند دارای دو سطح متفاوتند:

- ۱- تصمیم شورای امنیت که به موجب آن، نام یک شخص یا موسسه در فهرست تحریم قرار می‌گیرد؛
- ۲- تصمیم دولتی که شخص هدف در قلمرو آن حضور دارد یا جائیکه موسسه مورد نظر، فعالیت‌های ویژه‌ای انجام می‌دهد برای اعمال تحریم.

<sup>1</sup> World Outcome Summit Document

<sup>2</sup> A/RES//60/1.par109

ممکن است برخی حمایت از حقوق بشر در سطح تصمیمات دولت‌ها برای اعمال تحریم، را بهتر بدانند، اما اصولاً این امر ویژگی الزام‌آور تصمیمات شورای امنیت را منوط به بررسی‌های دقیق دولت‌ها می‌کند که می‌تواند اعمال تصمیمات شورای امنیت در سراسر جهان را با خطری جدی روبرو کند و از کارآیی سیستم امنیت دسته‌جمعی بکاهد. بنابراین در نظر گرفتن تضمینات اساسی برای حمایت از حقوق بشر در سطح تصمیمات شورا، مرجح و حتی لازم است. البته این بدان معنا نیست که دولت‌های اعمال‌کننده تحریم‌ها نمی‌توانند شورای امنیت را در بکارگیری روش‌های لازم کمک کنند.

### نتیجه‌گیری

تحریم‌های اقتصادی از دیرباز بعنوان ابزارهایی نسبتاً کارآمد و جایگزینی برای اقدامات نظامی تلقی می‌شدند و مجموعه اقدامات اقتصادی، تجاری، دیپلماتیک و ... را شامل می‌شوند که تلاش دارند تا دولت یا اشخاص خاصی را که اصول و قواعد حاکم بر روابط خود با سایر ملت‌ها را نقض نموده‌اند، از عمل خلاف خود باز دارند و به تغییر رفتار مجاب نمایند. حمایت از وضعیت حقوق بشر، منع اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، مقابله با تروریسم، حفظ محیط زیست و یا نقض شدید یک تعهد بین‌المللی از جمله اهداف تحریم‌های اقتصادی اعلام شده است. اما به واقع باید گفت برخی اهداف غیرمشروع همچون بی‌ثبات کردن یک نظام سیاسی برای کسب منافع نامشروع، تهدید به زور و یا حتی سرنگونی و براندازی یک دولت قانونی از اهداف اعلام نشده برخی تحریم‌ها بوده‌اند. تحریم‌های اقتصادی یا به صورت یک‌جانبه، چندجانبه در قالب یک سازمان منطقه‌ای و یا به صورت دسته‌جمعی در قالب یک سازمان بین‌المللی دارای صلاحیت جهانی انجام می‌گیرند. اما آنچه مسلم است، این است که سازوکار استفاده از این ابزار در متن منشور ملل متحد بعنوان اقدامات دسته‌جمعی در صورت نقض صلح، تهدید علیه صلح یا عمل تجاوزکارانه درج گردیده است و هرگونه اقدامی خارج از شمول مقررات متن منشور نامشروع تلقی خواهد شد.

شورای امنیت سازمان ملل متحد بعنوان رکن اصلی سازمان ملل وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را برعهده دارد، و طبق فصل هفتم منشور می‌تواند هرزمان که تشخیص دهد عملی ناقض صلح و امنیت بین‌المللی است، به مواد ۳۹ و ۴۱ توسل جسته و اقدامات مقتضی را اتخاذ نماید، با این وجود در عمل تشخیص اینگونه موارد توسط این رکن بنا به ملاحظات سیاسی و نه حقوقی انجام گرفته است. شورای امنیت باید اصول و قواعد بین‌الملل را در اعمال تحریم‌ها رعایت نماید، در غیر این صورت ابزار تحریم که وسیله‌ای برای جلوگیری از نقض حقوق بین‌الملل است، خود ناقض اصول بنیادین بشر می‌گردد؛ چنانچه در تحریم اقتصادی شورای امنیت در ۱۹۹۰ علیه عراق ملاحظه می‌شود که بسیاری از حقوق بشر نقض گردید و تلفات بسیاری ناشی از این اقدامات شورا بر شهروندان بی‌گناه عراق تحمیل گردید. با این وجود، تحریم‌های یک‌جانبه

یا چندجانبه که در اصطلاح به تحریم‌های فراقانونی یا فراقطعنامه‌ای اطلاق می‌گردند و اغلب توسط کشورهای قدرتمند برای تحمیل سیاست‌های آنها علیه کشورهای هدف اعمال می‌شوند نامشروع و غیرقانونی هستند. بنابراین طبق مقررات حقوق بین‌الملل، کشورها نمی‌توانند از زور سیاسی خود جهت اعمال فشار بر دولت‌های دیگر استفاده کرده و خواسته‌های خود را به آنها بقبولانند. بنابراین اینگونه تحریم‌ها طبق مقررات بین‌المللی از وجاهت قانونی برخوردار نیستند.

باتوجه به مطرح بودن اینگونه محدودیت‌ها، بحث‌های زیادی در محافل بین‌المللی انجام گردیده که تحریم‌ها بایستی در مجراهای خاصی اعمال گردند، که برآیند این مباحثات شکل‌گیری مفهوم جدیدی از تحریم‌ها، یعنی تحریم هدفمند یا هوشمند بود که هدفش اعمال محدودیت بر افراد یا نهادهایی است که ناقض حقوق بین‌الملل بوده‌اند. هرچند تحریم‌های هوشمند نیز با انتقادات زیادی همراه بوده‌اند، اما نسبت به تحریم‌های جامع شورای امنیت که حقوق بشر را نقض می‌نمود، جنبه متعادل‌تری دارد. در نتیجه باید گفت: تحریم‌های اقتصادی بعنوان اقدامات محدودکننده علیه ناقضان حقوق بین‌الملل و جایگزینی برای جنگ و دیگر اقدامات خشونت‌بار، مناسب می‌باشد. روند اعمال تحریم‌ها در منشور ملل متحد مشخص شده و چنین اقداماتی اگر از سوی شورای امنیت و در قالب چارچوب‌های قانونی و بدون در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی اعمال گردد، مشروع تلقی می‌گردد، مشروط براینکه این تحریم‌ها نیز خود موجب نقض مقررات بین‌المللی و قواعد آمره ۹۵ نگردند. بدین مفهوم که شورای امنیت نیز باید در اعمال تحریم‌ها جانب احتیاط را رعایت نماید و از اعمال تحریم‌هایی که اصول حقوق بین‌الملل را نقض می‌کند، پرهیز کند تا اقشاری که هیچ نقشی در عمل خلاف-کارانه و ناقض حقوق بین‌الملل نداشته‌اند، از اعمال محدودیت‌ها بر دولت متبوع‌شان آسیب نبینند.

## فهرست منابع

- 1- Bruno, S (1995). *The Charter of the United Nations, a Commentary*. Oxford University Press.
- 2- Buchheit, L.C (1976). *The Use of Non-Violent Coercion: A Study in Legality under Article 2(4) of the Charter of the United Nations*. In Lillich, R.B., (ed). "Economic Coercion and the New International Economic Order". Charlottesville, the Michie Company.
- 3- Bussuyt, Marc (2012). *The Adverse Consequences of Economic Sanctions on Enjoyment of Human Rights*. (Working Paper). Commission of Human Rights. Sub-Commission on the Promotion and Protection of Human Rights. 52 Session. Item 12 of the Provisional agenda.

- 4- *Commission of Human Rights Res 51/55*, 16 January (1995). Questions of the Violation of Human Rights and Fundamental Freedoms in any Part of the World. Fifty-first session, E/CN.4/1995/55.
- 5- Cot, J. P. and A. Pierre (2005). *La Charte des Nations Unies: Commentaire Article Par Article*. 3ème éd. Paris. *Economica*.
- 6- Davidson Elias (2003). Legal Boundaries to UN Sanctions. *International Journal of Human Rights*. 7(4).
- 7- Falsafi, H (1996). Development of Human Rights in International Community. *Journal of Legal Studies*.
- 8- Falsafi, H (2008). Sequence of International Treaties related to Human Rights, Conflicts and Comorbidity of States Commitments. Iranian Yearbook of International and Comparative Law. No.1. Tehran. *Ganj e Danesh Publications, Dad Afarin*. 37.
- 9- G.A.Res.3318 (XXIX) (14 December 1974). Declaration on Protection of Women and Children in Emergency and Armed Conflict. *UN. Doc/A/ 9948*.
- 10- GA Resolution 26/75 (9 December 1970). Basic Principles for the Protection of Civilian Populations in Armed Conflicts. *UN. Doc/A/8178*.
- 11- GA Resolution 3362 (XXX) (19 December 1975). Development and International Economic Cooperation. *UN. GAOR, 30<sup>th</sup> Session*.
- 12- GA Resolution 38/152 (19 December 1993). Review and Appraisal of the Implementation of the International Development Strategy for the Third United Nations Development Decade. *38<sup>th</sup> Session UN GAOR Doc/A/ 38/PV.102*
- 13- *Geneva Convention Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War*. (12 August 1949) 75 U.N.T.S. 287. (Entered into Force 21<sup>st</sup> October 1950).
- 14- Goodrich L.M and E. Hambro (1969). *Charter of the United Nations: Commentary and Documents*. 3<sup>rd</sup> Rev. New York. *Colombia University Press*.
- 15- Hadadi, M (2003). International Sanctions: A Tool for National Policy or as an International Sanction. *Journal of Legal Thoughts*.
- 16- Hosseini, M. A (2012). Sanction or Threat. *East Newspaper*.
- 17- Hufbauer G. C. and J. J Schott (1990). *Economic Sanctions, Reconsidered History and Current Policy*. *Justice for International Law, Peterson Institute*.
- 18- Ibrahim Gol, A (2009). The Right to Food; Prerequisite for Realization of Other Rights. *International Legal Journal*. 39(25).
- 19- ICJ Report (1986). *Case Concerning Military and Para Military Activities in and against Nicaragua*.
- 20- Kaplowitz, D.R (1998). *Anatomy of a Failed Embargo: U.S Sanctions against Cuba*. London. *Lynne Reinner Publishers*.
- 21- Kondoch, Boris (1991). The Limits of Economic Sanctions under International Law: The Case of Iraq. *at www.casi. Org .uk/ info/kondoch 01*.

- 22- Lawrence, T. J (1923). *The Principles of International Law*. 7th edition. Boston. DC: Heath & Co.
- 23- Majlesi, M. S (1999). *Use of Economic Sanctions under International Law: a Contemporary Assessment*. Montreal, Canada. McGill University, Institute of Comparative Law.
- 24- Reisman, M. M. and D. L. Stevick (1998). *The Applicability of international law Standards to the United Nations Economic Sanctions programmes*.
- 25- Report of the Commission to the General Assembly on the Work of its Forty Seventh Session (1995). UN Doc. A/50/10. in *Yearbook of the International Law Commission*. Vol.2. Part 2. New York. U.N.
- 26- Sands, P. and P. Klein (2001). *Bow's Law of International Institution*. Fifth Edition. London. Sweet & Maxwell.
- 27- SC Resolution 661 (6 August 1990). UN Doc. S/RES/661.
- 28- SC Resolution 794 (1992). UN. Doc/S/RES/794.
- 29- Shaygan, F (2009). *The Role of Time Limit in Development of Civilian Sanctions of Security Council*. Journal of Law and Political Sciences Faculty. Tehran University. 39(1).
- 30- William S. and A. De Mistral (1979). *An Introduction to International law*. Toronto, Butterworths.
- 31- Zahrani, M (2008). *Theoretical Basics of Economic Sanctios against Islamic Republic of Iran: Barriers and Challenges for Iranian Oil*. Journal of Energy Economy. 1(3).
- 32- Zahrani, M (1997). *Economic Sanction; From Theory to Practice*. Foreign Policy Magazine. 11(11).
- 33- Zamani Gh (2003). *Development of International Responsibility in Light of International Environmental Law*. Journal of Legal Studies. 1(1).